Questions in the Sociology of Translation

مسائل حوزه ی جامعه شناسی ترجمه[[1]](#footnote-1)

اندرو چسترمن[[2]](#footnote-2)

مترجم: بشیر باقی؛ محقق مطالعات مترجم و ترجمه؛ مدرس دانشگاه پیام نور

تفاوت زیادی بین تحقیقات فرهنگی و جامعه شناختی ترجمه وجود دارد. تحقیقات فرهنگی به سطوح عقاید فرهنگی می پردازد ولی تحقیقات جامعه شناختی به مردم و کارهای مشاهده پذیر آنها می پردازد. چند طرح اساسی و پایه ای برای تحلیل بعضی از جنبه های مربوط به حوزه ی جامعه شناسی ترجمه پیشنهادشده اند، اما کاربردشان محدود مانده است. البته هنوز به خیلی از جنبه ها پرداخته نشده و برای خیلی از حوزه ها مثل ترجمه ی گروهی، فرآیند بازبینی ِ گروهی، ویرایش ِ گروهی، تولید متون چندزبانه بشكل سازمانی، روابط مترجم و مشتری، سیاست ترجمه، گروههای مترجمی، استفاده ی مترجمان از فناوری و دیگر منابع، جایگاه و تحرک اجتماعی ِ مترجم، گفتمان ترجمه و نظامهای اعتباربخش فرضیه سازی در حال شکل گیری است. مفهوم ِمرکزی ای که تمام این حوزه ها را به هم مرتبط می کند همانا اجتماعی بودن ترجمه است.

کلیدواژه ها: جامعه شناسی ترجمه، حرفه ی ترجمه، مترجم، فرآیند، شبکه.

1. بافت جامعه شناختی ِفرهنگی

آلبرشت نوبرت[[3]](#footnote-3) (2001) در بررسی انتقادآمیز خود از روند پیشرفت کنفرانس "گراند ای.اس.تی[[4]](#footnote-4)" که در سال 1998 برگزار شد، به نکته ی جالبی اشاره کرده است (چسترمن 2000). هرچند که این نسخه را "ترجمه در بافت" عنوان گذاشتیم اما نه کل کتاب و نه هیچ بخش آن بررسی کافی و مناسبی از مفهوم اصلی "بافت" ارائه نکرده است. پرواضح است که مطالعات ترجمه در چند دهه ی گذشته خیلی گسترده شده و از زمینه ی محدود زبانشناسی به تمام انواع بافتها گسترش یافته است؛ اما نمی­دانیم که چطور فهم مشترکی از کل این بافتها را برای خود مشخص کنیم. در این مقاله تلاش شده تاحدودی به انتقاد نوبرت پاسخ داده شود.

اول به جنبه های مخالف بافت زبانشناختی و بافت فرهنگی که در دهه 1990 رواج بیشتری داشت می پردازیم. محققان اظهار می کردند که "جنبش فرهنگی" خیلی زود جایگزین بررسی صرف زبانشناختی متون خواهد شد. (ن.ک. به بسنت[[5]](#footnote-5) و لفور[[6]](#footnote-6) 1996). نخستین تحقیقات فرهنگی ترجمه از نظریه ی "نظام چندگانه" که واقعاً و اصلاً یک نظریه ی فرهنگی و تبادل فرهنگی بود بسیار استفاده کردند (برای مطالعه­ی دیدگاههای انتقادی این بخش ن.ک. به بیکر[[7]](#footnote-7) 1996؛ پیم[[8]](#footnote-8) 1999؛ و تیمچکو[[9]](#footnote-9) 2002)

بهرحال، چنین تقسیم دوگانه ی بسیار ساده هم این واقعیت را نادیده می گرفت که زبانشناسی در آن موقع از تحلیل صرفاً نحوی فاصله گرفته بود و به تحلیل زبانشناسی متن و گفتمان، منظورشناسی و دستور ِ ادراکی روی آورده بود و هم تمایل فزاینده ی بعضی محققان ترجمه را به فرآیندهای شناختی نادیده می گرفت (برای مطالعه ی یکی از تحقیقهای اخیر، ن.ک. به مجله­ی در عبور از زبانها و فرهنگها[[10]](#footnote-10) 3.1). همچنین باید اضافه کرد که تحقیقاتی که با عنوان "جنبش فرهنگی" انجام می شدند، خیلی بیشتر به جنبه ی جامعه شناختی مربوط بودند تا به جنبه ی فرهنگی. مثلاً تمایل زیادی به مطالعات تاریخی دیده میشد: آثار منتشر شده از "گوتینگن" و اثر آنتونی پیم در روش شناسی تحقیقات تاریخی ِ ترجمه (1998). این نوع تحقیقات به مهاجرت مردم و متون به آن سوی مرزهای فرهنگی، تأثیر ناشران و حامیان، شرایط اقتصادی و عوامل متنی می پردازد. ماریا تیمچکو و ادوین گنتزلر[[11]](#footnote-11) (2002) از "قدرت" گفته اند که به تمام تحقیقات مربوط به جنبه های ایدئولوژیکی ترجمه اشاره می کند و شامل موضوعاتی مثل مسائل پسا-استعماری، جنسیت، تحریف هویتهای فرهنگی و مفهوم آنها، و فریب بیطرفی کلی مترجم می شود. این موضوعات حداقل بطور مساوی هم به جنبه های جامعه شناختی می پردازند و هم به جنبه های فرهنگی. شاید بخاطر همین است که خیلی از محققان، مثل خودم، تمایل دارند تا از مفهوم پیچیده ی "جامعه شناختی فرهنگی"استفاده کنند هرچند نمی توان به آسانی خط مشخصی در میان این مفهوم کشید؛ که در یک طرف (اصلی) مسائل جامعه شناختی و در طرف دیگر (اصلی) مسائل فرهنگی باشد. یکی از دلایل این کار یعنی شفاف­سازی این مفهوم به این طریق این است که بعدها از اختلافات ِ مشهود بین تحقیقات – که شرح خواهم داد – جلوگیری کنیم.

مدتهای مدیدی بر سر تعریف دقیق "فرهنگ" اختلاف نظر بود. اما به تازگی همرأیی بیشتری در این زمینه مشاهده می شود (برای دیدن خلاصه ای از این پیشرفتها ن.ک.به کاتان 1999). نقطه ی آغاز مناسب برای تعریف فرهنگ، تعریف طرح شده توسط "کروبر و کلاکهلم[[12]](#footnote-12)" (1952: 181) در بخش نتیجه گیری کتاب است که در آخر 164 تعریف ِلیست شده ی ِقبلی اضافه کرده اند (من از کاتان نقل می کنم؛ 1999:ص 16):

فرهنگ از الگوها، رفتارهایی که بصورت آشکار و ناآشکار از نمادها به دست آمده اند یا با آنها منتقل شده اند، رواج دادن عناصر مشخص گروههای انسانی مثل مجسم کردن آنها با محصولات مصنوعی از قبیل روباتها تشکیل شده است؛ هسته ی اصلی فرهنگ شامل عقاید سنتی (که از تاریخ مشتق شده) و مخصوصاً ارزشهایی است که به آنها نسبت می دهند. نظامهای فرهنگی از یک جهت محصول (حال حاضر) هستند و از جهت دیگر تعیین کننده ی خصوصیات عمل های آینده هستند.

این تعریف بخشی از فرهنگ را بیرونی (مشاهده شدنی مثل رفتار و محصولات مصنوعی) و بخشی را درونی (ایده ها و ارزشها) می داند که از این دو بخش جنبه های درونی را مرکزی تر (و هسته) می داند. این مرکزیت با گسترشهای مختلف در مدلهای مشهور فرهنگی مثل مدل ِ گیرت هافتسد[[13]](#footnote-13) (1991) ارائه شده است."مدل پیاز[[14]](#footnote-14)"ِ هافتسد لایه های مختلفی دارد. در مرکز آن ارزشها قرار دارد و اطراف مرکز هم عرفهای اجتماعی هستند. عرفها شامل تشریفات مذهبی، قهرمانهای ملی و نمادها می شود. پس هرچه از هسته ی فرهنگی دورتر رویم به قلمرو جامعه شناختی نزدیکتر می شویم؛مثلاً قلمرو رفتار اجتماعی و روابط اجتماعی، موسسات، تولید و توزیع محصولات مصنوعی و... . همانطور که قول بالا هم اشاره می کند، نظامهای فرهنگی هم توسط "عمل" ایجاد می شود – مخصوصاً عمل اجتماعی – هم بر عمل آینده تأثیر می گذارد. به طور ساده باید گفت بین عملها و ایده ها تأثیر و تأثر دوطرفه وجود دارد. جامعه شناسان بیشتر به عملها توجه می کنند و محققان فرهنگی به ایده ها. با توجه به رشته ی ترجمه اکنون می توانیم بخشهای اصلی بافت "فاصله ای" را تعریف کنیم (و به بافت متنی اضافه کنیم)

* بافت فرهنگی: توجه بر ارزشها، ایده ها، ایدئولوژیها، و سنتها و...
* بافت جامعه شناختی: توجه بر مردم (مخصوصاً مترجمان)، رفتار گروهی ِ مشاهده شدنی آنها، موسسات آنها و...
* بافت شناختی: توجه بر فرآیندهای ذهنی، تصمیم گیری و...

بعضی از مفاهیمی را که در مطالعات ترجمه به کار می بریم مربوط به بخشهای ِمرزی ِ رشته ها می شود که شاید بخاطر گنگ و مبهم شدن این مفاهیم باشد. یکی از این "دوگانه مفهوم"ها که هم فرهنگی است و هم اجتماعی مفهوم "هنجار" است؛ بعد مفهوم گنگ گفتمان است که حداقل در ظاهر هم به متون و هم به بافت اجتماعی شان مربوط است و شاید به تعریفی که هر کس دارد به مرزهای دیگر هم مربوط باشد.

2. مدلها و چارچوبهای رایج

رویکردهای مختلفی در بافت جامعه شناختی – مطالعات ترجمه – هست که با هم بر سر فرصت و اعتبار رقابت می کنند. اختلافهایی هم هست: سوالات جامعه شناختی جالبی هست که ظاهراً و اصلاً از پایه و اساس نظری ِمناسبی سرچشمه نگرفته اند.

فکر می کنم به خوبی می توان "جامعه شناسی ترجمه" را به سه زیرمجموعه تقسیم کرد که شامل:

* جامعه شناسی متون ترجمه شده (یعنی محصول ترجمه)
* جامعه شناسی مترجمان
* جامعه شناسی ترجمه کردن یا همان فرآیند ترجمه

می شود. تا آنجا که نگارنده می داند کمترین توجه به سومین زیرمجموعه شده ولی من بیشترین بخش مقاله را به آن اختصاص خواهم داد. قبل از آن بهرحال طرحی از پیشینه ی فرآیند ترجمه ارائه می دهم؛ پس اول با توجه به نظری که دارم به بررسی مختصری از مدلها و رویکردهای اصلی رایج و مورد استفاده در مطالعات جامعه شناختی ترجمه با توجه به این سه زیرمجموعه می پردازم. سپس، بطور خاص بر خود فرآیند ِ ترجمه تمرکز خواهم کرد.

نظام چندگانه

یکی از پرنفوذترین مدلها نظریه­ی "نظام چندگانه" بوده است. پیشتر اشاره کردم که نظریه نظام چندگانه نظریه ای فرهنگی است و نه جامعه شناختی؛ و همچنین بیشترین کاربردهای آن مربوط به جایگاه و مقام ترجمه ها – مخصوصاً ترجمه های ادبی – در نظام چندگانه ی متنی یا ادبی فرهنگ مقصد است و نسبتهای موجود میان ترجمه ها و انواع دیگر متون "بازنویسی شده" مثل گلچینهای ادبی را بررسی نموده است. موضوعات بررسی شده شامل مباحثی مثل "تقدیس متون"، جایگاه متغیر متون، و بازآرایی روابط موجود در نظام مقصد بعد از ورود ترجمه ها با انواع خاص می باشد. بهرحال بعضی از محققان نظام چندگانه توجه بیشتری به مباحث جامعه شناختی کرده اند؛ مثلاً توجه لفور به شکل گیری حامیان (1992): تأثیر ناشران و حامیان دیگر در انتخاب متونی که باید ترجمه شود و در تنظیم یا تثبیت هنجارهای ترجمه ای. با توجه به کاربردهای جامعه شناختی، نظریه ی نظام چندگانه اصولاً مدلی از جامعه شناسی ترجمه است که در گروه اول تقسیم بندی من – در بالا – قرار می گیرد.

پیِر بوردیو

مدل بوردیویی ترجمه بیشتر به جامعه شناسی مترجمان می پردازد (ن.ک به ویژه نامه ی "مترجم"، 11، 2، 2005). با توجه به مفاهیم اصلی او در این رشته عاملان آن (که مترجمان باشند) برای کسب جایگاه و قدرت با هم رقابت می کنند (ر.ک به بحث هرمانز، 1999: 131). ژان مارک گوانویک (1999، 2002) از مدل بوردیو در مطالعه ی خود درباره ی ظهور افسانه ی علمی که در فرانسه از تأثیر ترجمه بوجود آمده و ژانر جدیدی نیز بود استفاده کرد. گوانویک به تأثیر عوامل اقتصادی، مترجمان و ناشران اصلی، حرفه ی بازاریابی و کتابفروشی ها در ظهور این ژانر جدید پرداخت. در واقع توجه بر عواملی است که منجر به ظهور یک ژانر جدید در فرانسه شدند و نه حقیقت فرآیند ِ ترجمه. هیلبرن[[15]](#footnote-15) (2000) هم برای تحلیل روند روانه شدن ِ کتابهای ترجمه شده به فرهنگهای پیشرو و پیرو که بخشی از فرآیند وسیع جهانی شدن است از رویکرد جامعه بوردیو استفاده کرد. او محققان را به تحقیق بیشتر درباره ی سازمان ِ اجتماعی ِ بخشهای مختلف ِ بازار بین المللی ترجمه فرامی­خواند مخصوصاً بخشهایی که ترجمه ها در آنها بسیار کم استفاده می شود مثل مدارس که دولت ِ هر کشور تأثیر اصلی بر آنها می گذارد.

یکی دیگر از مفاهیم اصلی بوردیو، مفهوم "عادت­واره" می باشد که حالت اصلی عاملان روانی- احساسی (یک رشته) است و شامل مفاهیمی مثل مدل تأثیر، خودشناسی و هویت گروهی می شود. سیمونی[[16]](#footnote-16) به ساخت ِالگویی ِ مترجمان با عنوان ِ"خدمتکاران داوطلب" می پردازد (1998) که دیدگاه داگلاس رابینسون[[17]](#footnote-17) (1991) را درباره­ی "فیزیک ترجمه" به یاد می آورد (ر.ک. به کالینفسکی[[18]](#footnote-18) 2002). چنین رویکردی نیز بیشتر به جامعه شناسی (یا جامعه­روانشناسی) مترجمان مربوط است تا محصول ترجمه یا فرآیند مشاهده شدنی ترجمه.

لومان

نظریه ی نظامهای اجتماعی نیکلاس لومان را نيز در مطالعات ترجمه به کار برده اند (ن.ک. به هرمانز 1999: 137 و پلترمن 1992). او جامعه را متشکل از نظامهای مختلف می داند (مثل قانون، کلیسا، سیاست و...) که هر کدام از کنشهای ارتباطی تشکیل شده اند (لومان 1990) و جامعه از همین ارتباطات ساخته می شود. رویداد ترجمه ای[[19]](#footnote-19) هم دقیقاً نوعی ارتباط است که عنصری از نظام ترجمه ای می باشد. رویداد ترجمه ای را از نظر زمانی در مدت انجام کار ترجمه می توان از آغاز درخواست تا زمان تحویل و پرداخت هزینه ی ترجمه در نظر گرفت. طبق نظر توری (1995 ص 249) می توانیم چنین رویدادهایی را از کنش های ترجمه تمیز دهیم: کنش های ترجمه در ذهن مترجم در سطح ادراکی رخ می دهند و مستقیماً مشاهده پذیر نیستند.

نظامهای اجتماعی مختلف از کدهای سازمانی مختلفی استفاده می کنند. مثل خیلی از متفکران نظام­مند، ظاهراً لومان هم به کدهای دوتایی علاقمند است: بنابراین نظام قانونی براساس اختلاف بین قانونی و غیرقانونی سازمان دهی می شود؛ و آثار علمی براساس درست و غلط. هرمانز (1999 ص 143) اشاره می کند که نظام ترجمه ای براساس اختلاف بین ارائه ای معتبر و غیرمعتبر از متن اصلی سازمان دهی شده و سوالات مهمی درباره ی تفسیر و تحلیل مفهومی ایجاد می کند که من به آنها نمی پردازم.

بهرحال نظام ترجمه فقط از رویدادهای ترجمه ای تشکیل نشده است، بلکه شامل اظهاراتی درباره ی رویدادها هم می شود: گفتمان ترجمه شامل متون ِبررسی کننده ی ترجمه ها، مقدمه ها و فرامتنهای دیگر؛ و همچنین تحقیقات عمیق درباره ی ترجمه می باشد که همه ی اینها جزو نظام ترجمه هستند، آن را نمایان می کنند و بر آن تأثیر می گذارند. چنین عناصر افزوده شده هم دریافت مردم از ترجمه را در زمان و مکان خاصی نشان می دهند. البته بخشی از این دریافتها توسط خود ترجمه ها شکل گرفته و بخشی هم انتظارات آنهاست که بر فکر و کار مترجمان هم تأثیر می گذارد. با این مفهوم نظام ترجمه ای نظامی خود-منعکس و خود-پرور می باشد.

مدل لومان هم مثل مدل بوردیو بیشتر در حوزه ی مطالعه ی عوامل موثر بر مترجمان و ترجمه ها و عوامل گسترش انواع مختلف ترجمه در جامعه کارایی دارد و نه در حوزه ی فرآیند ترجمه. او راهی برای اندیشیدن به هنجارها مثلاً در درون نظام ترجمه ای پیشنهاد می کند؛ همچنین راهی برای بررسی روابط بین نظام ترجمه با نظامهای اجتماعی دیگر بر حسب تأثیر و مداخله پیشنهاد می کند.

تاریخ نگاری ترجمه

تحقیقات اخیر در حوزه ی تاریخ ترجمه مکتوب و شفاهی بر تاثیر تک تک مترجمان بعنوان افراد واقعی جامعه که در شرایط خاص زندگی می کنند تأکید کرده اند. چنین دیدگاهی به تاریخ کمتر به نهضت ایده ها و بیشتربه جنبش افراد واقعی و متون عینی، نوشته شده، و دستنوشته ها توجه می کند. با توجه به تقسیم بندی سه گانه ی من، رویکرد تاریخی پیم (1998) و دلیسل و وودزورث[[20]](#footnote-20) (1995) به جامعه شناسی مترجمان می پردازد.

پیم، تاریخنگاری ترجمه را به سه حوزه تقسیم کرده است (1998،ص 5). چه کسی چه، چطور، کی، کجا و برای چه کسی و... ترجمه کرده تاریخنگاری او را تشکیل می دهد که واقعیتهای اساسی ِ جامعه شناختی و متنی ِاو هستند. بعد هم نوبت نقد تاریخی ست که به تاثیر ترجمه ها با توجه به گسترش یا عدم گسترش آنها برای پیشبرد آنها می پردازد که بعد ایدئولوژیکی طرح (شامل ایدئولوژی خود ِ محقق) می باشد. در آخر توصیف می آید که به علیت ترجمه ها مثل علل اجتماعی می پردازد. بنابراین هدف پیم قرار دادن مترجمان و ترجمه ها در یک بافت گسترده ی اجتماعی،تاریخی می باشد.

نظریه گفتمان انتقادی، کاربردشناسی (پراگماتیسم)

چنین چارچوبهایی که در تحقیقات ترجمه ای به کار رفته اند را می توان دارای رویکردی جامعه شناختانه دانست زیرا این امکان را فراهم می کنند تا روابط بین خصوصیات متنی و مثلاً جنبه های سیاسی ِ قدرت و ایدئولوژی بپردازیم. آنی بریسِت از تحلیل انتقادی گفتمان در بررسی برخی از ترجمه های نمایشنامه هایی در کِبِک[[21]](#footnote-21) اقتباس کرده است. این تحقیق توجهات را به تاثیرات بالقوه ی سیاسی (و بنابراین اجتماعی) ترجمه ها و همچنین نیات مترجمان جلب می کند ولی درحوزه ی فرایند ترجمه مطلبی را روشن نمی کند. نظریه ی تحلیل انتقادی گفتمان ِنرمان فرکلاف چارچوبی غنی برای تحلیل آنچه خود آداب استدلالی تولید، توزیع و خواندن متون می نامد فراهم می آورد. مفهوم هسته ای بینامتنیت است (1992 و آثار بعدی). بهرحال مقصود فرکلاف[[22]](#footnote-22) در کل بررسی تغییرات اجتماعی است و نه تغییرات ترجمه ای. با اینکه فرکلاف مدل مناسب و کارایی را برای تحلیل بعضی جنبه های عمل ترجمه ارائه داده اما خیلی کم در مطالعات ترجمه به کار رفته است (ن.ک.به اُلک 2002).

بعضی محققان از چارچوبی منظورشناختانه برای تحلیل ترجمه استفاده کرده اند (ن.ک.به هتیم و میسون[[23]](#footnote-23) 1990؛ هیکی 1998). این چارچوب از اصول محاوره ی ِگرایس، نظریه­ي ارتباط[[24]](#footnote-24)، ادب، و پیشداوری در تحلیل متنی دقیق ترجمه ها استفاده کرده، به تاثیرات اجتماعی انتخاب، متون توسط ، مترجمان پرداخته و این واقعیت مهم که مترجمان باید از خوانندگان احتمالی مطلع باشند را تأکید می کند. باید گفت این رویکردها برای پردازش نظریه جامع جامعه شناختانه ی ترجمه بسیار محدود هستند زیرا درواقع مدلهای گسترش یافته ی تحلیل زبانی-متنی هستند ، و نه بیشتر.

مدلهای زبانشناختی ِاجتماعی

با نیم نگاهی به موضوعات اخیر موجود در چکیده های مربوط به مطالعات ترجمه می فهمیم که تحقیقات گوناگونی به انواع مختلف در زمینه ی زبانشناسی اجتماعی انجام شده است. تحقیقاتی را در زمینه ی اجتماعی می بینیم که جنبه های خاصی از شرایط ترجمه ها را بررسی می کنند مثل ترجمه از و به زبانهای کریول (لنگ: 2000) مسلماً چنین وضعی مشکلات خاصی را برای مترجم به وجود می آورد. در خیلی از تحقیقاتی که در زمینه­ی زبانشناسی انجام شده، می بینیم که بعضی از خصوصیتهای متنی دلایل یا نسبتهای اجتماعی دارند مثل لهجه ها یا انواع دیگر گونه های زبانی (ن.ک. به برثل 2000 در ترجمه ی لهجه ی محلی جیم در هاکلبری فین؛ یا مایورال آتنسیو 2000 درباره ی ترجمه ی گونه

(گونیهای زبانی).

در میان این دو غایت تحقیقاتی هستند که می توانند در بخش "منظورشناسی" من قرار بگیرند چون مثلاً مربوط به ادب و مخاطب می شوند. میسون (2000) از طرح مخاطب در تحلیل خود درباره ی علتهای تغییرات (Shift) در ترجمه استفاده کرد.

یکی از کارهای اولیه که برای ترکیب کردن مدلهای مختلف زبانشناختی ِاجتماعی انجام شده، کار مائوریس پرگنیر (1978/1993) است که محدودیتهای زمانی، مکانی و رسانه ای بهمراه محدودیتهای زبانشناختی را با هم ترکیب کرده است. و البته کار پیشتازانه ی یوجین نایدا را که در سال 1960 و بعد آن درباره ی جنبه های ارتباطی ترجمه انجام داده فراموش نمی کنیم. مدل او بیشتر از نظریه ی اطلاعات قرض گرفته است (مفاهیمی مثل پیام، سروصدا، حشو، رمزگذاری، کانال ارتباطی، خوانایی، دسترسی پذیری)(ن.ک. به نایدا 1964).

این مدلهای زبانشناختی ِاجتماعی ارتباطها و نسبتهای سببی بین خصوصیتهای موقعیتی و خصوصیتهای زبانی را مهم نشان می دهد. جین پیترز تصویر جامع تری با استفاده از مدل زبانشناختی ِاجتماعی و با توجه به نظریه وساطت "جین گگنیپِین" ارائه داده است (1999). مدل پیترز بعنوان یک مدل انسانشناختی مطرح شده چراکه به ضبط آن خصوصیتهایی که ارتباطات انسانی را انسانی می کند می پردازد؛ مدل او چهار مفهوم اساسی دارد که هر کدام مربوط به یک سطح نظری می شوند. نشانه ها که مربوط به علامت، معنا و شناخت می شوند؛ ابزارها که مربوط به تولید، فناوری، اهداف و وسایل می شوند؛ افراد که تعاملها و ارتباطات اجتماعی به آن مربوط است؛ هنجارها که ارزشها به آنها مربوط است. تمام اینها را براحتی می توانیم به مدل کلی که در بالا طرح شد مربوط کنیم. نشانه ها مربوط به سطح شناختی می شوند؛ ابزار مربوط به سطح زبانشناختی، افراد به سطح اجتماعی و هنجارها هم ، به قول خودم، مربوط به سطح فرهنگی می شوند. رویکرد پیترز بر این نکته تأکید می کند که ترجمه بعنوان یک فرآیند، همچنان که تاثیر می گذارد تاثیر هم می پذیرد. ترجمه هم مثل دیگر انواع تعامل هم از برداشت درونی شخص از وجود خود و هم از دیدگاه و احساس شخص درباره ی دیگران ، نظری که عادت واره بورديورا یادآور است ، تاثیر می پذیرد.

نظریه ی هدف، مقصود یا اسکوپوس[[25]](#footnote-25)

می توان گفت نظریه ی اسکوپوس هم دیدگاهی جامعه شناختی دارد چون به نقش مشتری، مکالمات بین مشتری و مترجم درباره ی استراتژی مناسب ِترجمه، و واکنش های خوانندگان (پذیرش یا رد ترجمه) اهمیت خاص می دهد. چارچوب نظریه ی کنش هولز مانتری[[26]](#footnote-26) (1984) گستره ی وسیع تری دارد اما در خارج از آلمان کمتر به کار رفته که شاید تا حدودی بخاطر شخصی بودن واژگان تخصصی اوست. هانا ریسکو(1998) به خوبی از نظریه ی او برای محاسبه ی "توانش ترجمه ای" استفاده کرده است. او همچنین عاملان دیگری مثل بازنویسان را هم در مدل خود گنجانده است (ن.ک.به ریسکو و فریهُف 2000).

بررسی کیفیت، بازار ترجمه و برنامه ریزی زبان

حال می رسیم به تحقیقاتی که در زمینه ی رویه های بررسی کیفیت و مدیریت اسناد چندزبانه مخصوصاً در رشته های فنی و تجاری (مثلاً اسپرانگ 2000)، و پیشرفت معیارهای بین المللی کیفی ترجمه ها انجام شده است (برای این مورد آخر ن. ک. به چسترمن و وگنر[[27]](#footnote-27) 2000: فصل 6). این تحقیقات بخاطر نیاز عملی به کارایی تجاری انجام گرفته و متاسفانه هنوز از بخشهای اصلی مطالعات ترجمه نشده است. تحقیقی که درباره ی این رویه ها انجام شده هرچند که غیرمستقیم است ولی بوضوح از بسیاری از مفاهیم نظریه ی کنش بهره برده و مطمئناً به فرآیندهای محسوس ترجمه توجه کرده است؛ خصوصیتی که در بسیاری از مدلهایی که اشاره کردم نیست یا کمتر توجه شده است.

یکی دیگر از حوزه های مربوط به جامعه شناسی ترجمه نیاز به تحلیل بازار ترجمه مخصوصاً در جهان تجارت و تحقیق در کارکرد آن است (ن.ک. به لمبرت[[28]](#footnote-28) 1996). مفاهیم اساسی این حوزه شامل رضایت شغلی، حل مشاجرات (اختلاف ها و فهم مشاجره انگیز از نقش مشتری و مترجم)، و سیاست ترجمه می شود. مثلاً سیاستها و رویه های ترجمه ای و زبانی تا چه حدی با فعالیتهای دیگر یک شرکت یکپارچگی دارند؟ چه انواعی از نظامهای بازخوردی در دسترس هستند ؟

در آخر باید به تحقیقی اشاره کنم که در زمینه ی برنامه ریزی زبانی انجام شده و هدفش استفاده ی عملی از دانش مبتنی بر تحقیق، در موقعیتها و مشکلات خاص اجتماعی می باشد. موضوعاتی مثل سیاستهای زبانی یا ترجمه ای در کشورها یا موسسات چندزبانه، یا اقلیتهای زبانی مدنظر هستند که بوضوح مربوط به حوزه هایی مثل حقوق زبانی، مردمسالاری، و پیشرفتهای سیاسی می شوند و این حوزه ها خود در بخش جامعه شناسی قرار می گیرند.

تحقیقی که زیر این عنوان قرار دادم تمام سه حوزه ی جامعه شناختی را دربر می گیرد: ترجمه ها، مترجمها، و فرآیند ترجمه. پس احتمالاً نسبت به مدلهایی که از ابتدا فقط برای بررسی ترجمه های ادبی طراحی شده اند این قدم اول ِنگارنده برای تحقیقات جامعه شناختی ِ آینده قدم محکم تری خواهد بود.

هر کدام از این مدلها یا رویکردها سوالات متفاوتی را به ذهن می آورد. به نظر می رسد بطور کلی به فرآیند واقعی ترجمه بعنوان فعالیتهایی محسوس کمترین ِتوجه شده باشد. به استثنای تحقیقی که درباره ی بررسی کیفیت انجام شده، هیچ کدام از مدلهای مذکور فرآیند مشاهده پذیر ِکار ِترجمه های شخصی را در مرکز توجه قرار نداده است. یک نوع خلای در هسته ی تحقیقات جامعه شناختی ترجمه احساس می شود: خلای بین چارچوبهایی که براساس نظامهای انتزاعی جامعه شناختی تشکیل شده از یک سو و گستره ی چارچوبهای متن،مبنا از سوی دیگر. حال می خواهم با درنظر داشتن مفهوم یک رویه و با جزییات بیشتر به این خلای بپردازم.

3. رَویه های ترجمه ای[[29]](#footnote-29)

به نظر من مفهوم "رَویه" خلاء موجود در مرکز جامعه شناسی ترجمه را پر می کند چون به ما امکان می دهد تا با دیدی جامعه شناختانه به فرآیند ترجمه بپردازیم و موضوعاتی فرعی مثل تاریخ ِمحصول ِترجمه وقتی به مشتری تحویل داده شد یا تاثیراتی که قبل از انجام ترجمه بر مترجم وارد می آید را کنار بگذاریم. اول خود ِ مفهوم را شرح می دهم، بعد نشان می دهم چطور می تواند در مطالعات ترجمه کارایی داشته باشد.

با این نکته شروع کنیم که فرد در هر رویه دخالت دارد (معمولاً بیشتر از یک فرد): که همین ما را یک مرحله از اینکه تنها عامل مترجم باشد جلوتر می برد. پیشتر اصطلاح "رویه ها" را بعنوان بخشی از مدل پیازی هافستِد از فرهنگ دیدیم. بهرحال اصطلاحی که او به کار برده چون شامل چند نماد است انتزاعی تر از مفهومی است که من می خواهم توضیح بدهم ؛ علاوه بر قهرمانان ملی، تشریفات مذهبی را هم دربر دارد که برای هدف ما مناسب نیست چون "از لحاظ فنی" مثل کارایی گفتگوهای کوچک در بعضی فرهنگها از الگوهای غیرضروری رفتاری هستند .

رانسیمَن (1998؛ص 11،12) در تحقیق کلی خود درباره ی نظریه ی جامعه شناختی از رویه ها بعنوان واحدهای کنشهای دوطرفه یاد می کند. پس چون دوطرفه اند در سطح رفتار گروهی یا نهادی اجتماعی رخ می دهند؛ پس نه تنها از لحاظ نشانه شناسی واقعی اند بلکه بعنوان واحدهای کنشی از لحاظ اجتماعی نيز محسوس و واقعی هستند. پس مشخّصاً دچار محدودیتهای اعمالی قدرتهای مختلف می شوند: اولین مثال هم هنجارهای اجتماعی می باشد.

آلاسدایر مکینتایر (1981) در بحث خود به نفع علم اخلاقی که براساس نیکی هاست و نه براساس حق یا ارزش، تعریفی پیچیده تر ارائه داده است؛ او می گوید:

"منظور من از رویه این خواهد بود که هر شکل پیچیده و منسجمی از فعالیت جامعه، توسط بنیاد ِهمکاری و ارائه ی انسانی، که خوبیهای آن فعالیت با توجه به معیارهای برتری که مناسب و تا حدودی معین کننده ی شکل ِآن فعالیت است مشخص می شود و نتیجه اش این است که قدرت انسان برای کسب فضیلت و فهم وی از اهداف و نیکی ها سازمان یافته طراحی شده است" (1981؛ ص 175) .

اینها جنبه های مختلف تعریف­مان هستند که به اهداف­مان خیلی مربوط هستند (برای مطالعه ی بیشتر ن.ک. به چسترمن 2001). اول بر فعالیت ِهمکاری وارائه ی انسانی تأکید کنیم: تلاشهای مشترک برای کسب هدف توافق شده. اگر این دیدگاه را بپذیریم، باید بگوییم بین رویه ها و کارهای بوردیو تفاوت وجود دارد: کارهای بوردیو بیشتر از خصوصیت رقابت تشکیل شده اند تا همکاری، چون او بر مجادله ی بر سر قدرت تأکید کرده است. ارزش اساسی تعریف مکینتایر به قدرت نیست که به فضیلت است. با توجه به این دیدگاه شاغلان ، افرادی که در یک حرفه کار می کنند ، اول از همه مهارت در حرفه ی خود را می خواهند پس نیاز به همکاری دارند. البته قدرت را نمی توان نادیده گرفت ولی قدرت در اینجا اصل نیست؛ و اصلاً ممکن است که در سطح شاغلان اجرا نشود بلکه مثلاً در سطح کسانی که از خدمات یا محصولاتشان استفاده می کنند اجرا شود. رویه هایی که مکینتایر مثال زده شامل فوتبال، شطرنج، معماری، کشاورزی، فیزیک، داروسازی، نقاشی، آهنگ و سیاست می شود؛ و براحتی می توانیم ترجمه را هم به لیست اضافه کنیم.

پس تأکید بر تلاش برای کسب فضیلت جنبه ی مثبت ِ کار ِحرفه ای را که توجه فرد به کیفیت است نشان می دهد. البته کنشهایی که کیفیت بالایی دارند در نهایت جایگاه و دیگر صفات قدرت نمادین را جذب می کنند، اما مکنیتایر مشتاق تأکید بر "خوشی های درونی" است تا "فواید خارجی". وقتی که می فهمی کاری را درست انجام داده ای و حس خوبی احساس می کنی، یا آهان ِیک مترجم وقتی یک بخش فریب­انگیز را ترجمه کرده یا اصطلاح مناسب را یافته مثالهایی از خوشیهای درونی است. اینجا شاید راه جالبی باشد تا بتوان موضوعات مربوط به کیفیت را وارد حوزه ی توصیفی تحقیقات کرد.

به نظر مکینتایر پرداختن به یک رویه یعنی شروع رابطه ای با تاریخ و سنتش (در واقع روایتش) و مشغولان معاصر به این رویه. همچنین به معنای پذیرش ِاعتبار ِمعیارهای ِمسلط (حداقل در مراحل اولیه) است، و تلاش برای دست یافتن به آنها و حتّا از آنها بهتر شدن. بنابراین شاغلان تازه کار باید در رویه خود حرفه ای شوند که اغلب با کسب اعتبار ممکن می شود و طوری باشد که بتوان بررسی کیفیت (معیارهای برتری) را انجام داد. رویه ها جامعه،بنیاد هستند یعنی تاحدودی جزو نهاد جامعه می شوند. ممکن است با بعضی حرفه ها منطبق باشند (مثل داروسازی) و با بعضی نباشند. حال آیا ترجمه هم واقعاً یک حرفه هست یا نه می توان درباره اش بحث کرد: شاید نباشد چون نه امتیازی انحصاری که به نفع یک ارزش خاص اجتماعی باشد نداریم (مثل سلامتی در حرفه ی پزشکی) و نه هنوز روندهای اجباری کسب اعتبار داریم (لذا هر کسی می تواند مترجم باشد). بهرحال مطمئناً ترجمه در مفهوم مکینتایر یک رویه می باشد.

بطور خلاصه می توان چنین گفت: هر رویه یک نظام نهادینه شده از رفتاری اجتماعی است که در آن کارهایی توسط عاملانی که تأثیر گذارنند در شرایط خاصی با تلاش برای کسب کیفیت انجام می شود.

پس، در زمینه ی ترجمه می توان گفت که هر رویه ی ترجمه (در بافتی خاص) از کارهایی تشکیل شده که کارایی آن در رخدادهای ترجمه ای (در همان بافت) رخ می دهد. اگر ترجمه را رویه ای با این معنا در نظر بگیریم – یعنی مجموعه ای از رخدادهای ترجمه­ای – احتمالاً آن وقت سوالات زیادی خواهیم داشت که در چارچوب اکثر طرحهایی که اشاره شده اند قرار نمی گیرند که البته تمامشان بالقوه از مشکلات سودآور تحقیقی هم هستند. مثلاً:

* مترجمان با چه کسانی کار می کنند ؟ چه عاملان دیگری همکاری دارند ؟ هم­پیشنویسی چه سودی دارد ؟
* این عاملان دیگر چه نقشی دارند ؟ (مثلاً بررسی کیفیت نظامها چطور عمل می کند؟ آیا برای جنبه های مختلف بازنویسی فرآیندهای مختلفی وجود دارد؟ بازنویسی روی کاغذ باشد یا روی صفحه نمایش ؟ بازنویسی های مختلفی برای جنبه های مختلف هر متن وجود دارد ؟)
* چه نوع روابطی بین عاملان مختلف مشهودتر است؟ (این روابط هم عمودی اند، مثلاً با مشتریها یا مدیران پروژه، هم افقی اند مثلاً با همکاران دیگر گروه، بازنویسان یا مشاوران).
* از چه منابع فنی ای در اجرای کارها استفاده شده ؟ و چطور استفاده شده ؟ و این استفاده چطور تغییر می کند ؟
* مترجمان محیط کاری خود را چطور مرتب می کنند ؟
* مراحل مختلف فرآیند کاری (یعنی رویداد ترجمه) از ابتدا تا تحویل و پرداخت مبلغ چه ها هستند ؟ چطور این مراحل در طول زمان رخ می دهند ؟
* سندهای چندزبانه را چطور پیشنویس می کنند ؟
* فرآیندها و محیط کاری با توجه به وارداتی یا صادراتی بودن ترجمه چطور تغییر می کند ؟
* چه محدودیتهایی هست و این محدودیتها چطور بر فرآیند انجام کار تأثیر می گذارند ؟

نه فقط هنجارها و روابط انتزاعی ِ قدرت بر محیط کار تأثیر می گذارد بلکه چیزهای عینی تر مثل سیاستهای تصمیمگیری هم موثر هستند. مثلاً:

* سیاستهای تصمیم­گیری برای تهیه ی متون نویسندگان و حق ویرایش و یا تصحیح آنها چیست ؟
* سیاستهای تصمیم­گیری برای انتخاب مترجمان: بومی، غیربومی، خانگی، مستقل، فردی یا گروهی چیست ؟
* سیاستهای تصمیم­گیری برای استفاده از مشاوره، دادرسی های میانجی­گرانه در حل مسائل یا اختلافات حل نشده چیست ؟
* سیاستهای تصمیم­گیری در روند تولید اسناد چندزبانه در موسسات مختلف چگونه است ؟

بعضی از این سوالها توسط "برایان موسپ" در مقاله ای مطرح شده که برای یک فراخوان درباره ی پردازش محل کار مترجمان نوشته بود. او مخصوصاً درباره ی اهمیت مطالعه درباره ی مراحل بازنویسی تأکید می کند تا بیشتر درباره ی چگونگی افزایش کیفیت در شرایط حرفه ای بدانیم. (ن.ک. به موسپ 2001؛ مالکائر 1994؛ هَنسِن 2002.)؛ به بعضی دیگر از سوالها هم در بعضی از رویکردهایی که پیشتر ارائه شده پرداخته اند. پائیوی وِویلاینان (2000) تحقیق جالبی برای نتیجه گیری از مدلهای ِتأثیری ِدرونی ِمترجمان از گفتمانهای آنها در مصاحبه های شان به فنلاندی نوشته است. پس هیچ کدام از چارچوبهایی که پیشتر اشاره شده تمامی سوالات را پوشش نمی دهند.

بقیه سوالها هم که به نظر درباره ی عمل ترجمه هستند بیشتر مربوط به روابط بین مترجمان و دیگر عاملان ترجمه می شود و نه کنش های واقعی ترجمه:

* جایگاه عاملان مختلف چقدر است ؟ این جایگاه چطور نمود دارد ؟ نظر مترجمان درباره ی جایگاه خودشان چیست ؟ مترجمان چه نوع مدلهای تأثیری دارند ؟ (در مقایسه با عادت­واره­ی ترجمه شان)
* نظر عامه ی مردم درباره ی افراد مشغول به حرفه ی ترجمه چیست و چگونه –در جامعه – نمد دارد ؟ (گفتمان درباره ی ترجمه، حضور مترجمان در ادبیات، رضایت مشتری، بازخورد، میزان پرداخت و...) جواب این سوالها چیزهایی را درباره ی تصور عامه ی مردم درباره ی مترجمان یا عادت­واره خودشان در برابر عادت­واره ترجمه شان نشان خواهد داد.
* میزان پرداخت ها چطور عوض می شود ؟ و چطور محاسبه می شوند ؟
* مترجمان حرفه ای چطور مهارت خود را بالا می برند ؟
* چه نوع نظامهای اعتباردهی در کشورهای مختلف وجود دارد ؟ و چقدر کارا هستند ؟ نظر مترجمان حرفه ای درباره ی آنها چیست ؟

4. نظریه شبکه-عامل[[30]](#footnote-30):

یکی از نظریه های جامعه شناختانه که در نگاه اول هم احتمالاً بسیار در عمل ترجمه کارایی دارد، نظریه شبکه-عامل است که اخیراً توسط جامعه شناسان فرانسوی برونو لاتور و میشل کالن ارائه شده است؛ یک منبع اولیه ی مفید می باشد.

http://carbon.cudenver.edu/∼mryder/itc\_data/act\_net.html

این نظریه تا آنجا که می دانم آنچنان در مطالعات ترجمه به کار نرفته است (ولی ن.ک. به بوزلین[[31]](#footnote-31) 2005). بنده تلاش می­کنم تا بعضی از ایده های اصلی این نظریه را مطرح می کنم و مختصری درباره ی چگونگی کارایی احتمالی آن برای هدف خودمان خواهم گفت.

نظریه شبکه-عامل در اواخر سالهای 1980 و اوایل سالهای 1990 بعنوان ابزاری برای مطالعه ی اختراعات فناوری و پیشرفتهای علمی ارئه شد که بخشی از جامعه شناسی دانش را تشکیل می داد. از ایده های پسامدرنیستی و بحثهایی که درباره ی گفتمان دانش بود تأثیر گرفت. مفهوم هسته ای عامل در اجرای نقش انسانی و غیرانسانی فهمیده اند: افراد با دستگاه ها، رایانه ها، کتابها و... تعامل دارند که تمام اینها بخشی از شبکه اجتماعی-فنی (یا فناوری ِاجتماعی) آنها را تشکیل می دهد که علم در آن گسترش می یابد یا بعضی پروژه های مهندسی جدید اجرا می شود. این شبکه هیچ هسته ای ندارد چرا که تمام اجزا مستقل هستند. نظامهای دانش، عوامل اقتصادی، افراد و ابزارهای کمکی فنی تأثیرات مهمی دارند. نظام ِعلیت یکطرفه نیست. هر گره ای در شبکه می تواند بر دیگر گره ها تأثیر بگذارد. این نظریه انواع مختلفی از روابط را بین گره های مختلف هر شبکه مثل ترجمه که ممکن است برای محققان ترجمه گمراه کننده باشد در نظر می گیرد، چرا که ترجمه مفهوم متفاوتی دارد: ترجمه به روشی اشاره دارد که هر عاملی برای ایجاد معنا از کلمات به "ترجمه ی" معنا با اصطلاحات خودش می پردازد؛ که توافقهایی ناگزیر را بهمراه دارد، چون بدون این توافق ها ادامه ی ترجمه عملاً ناممکن می شود؛ در بعضی مراحل بعد از رسیدن به توافق مناسب مشاجره ها قطع می شود، و پرونده ی مسائل را براحتی برای پیشبرد عملی ترجمه مختومه اعلام می کنند. همه عاملان انگیزه ها و ارزش های خاص خود را دارند که بر نحوه ی شرکت کردنشان در پروژه و تفسیر جایگاه و تأثیر خودشان هم موثر است (برای مطالعه ی مقالات انتقادی درباره ی ANT ن.ک. به لا و هاسارد 1998).

هرچند بطور کلی این نظریه بیشتر بخاطر زمینه ی متفاوتش (که دانش و فناوری است) در مطالعات ترجمه کارایی ندارد، ایده هایی ارائه می دهد که در عمل ترجمه می توانیم از آنها بهره بریم. مثلاً: ممکن است بخواهیم ببینیم چه شبکه هایی (در یک بافت خاص) موجود است؛ چه گره های مختلفی از انسانی و غیرانسانی دارد؛ محدوده ی شبکه چقدر است؛ فایده ی هر گره چیست؛ تناوب حلقه ها در جهت های مختلف چقدر است؛ انعطاف پذیری شبکه چطور است، چقدر پایدار می ماند یا گسترش می یابد یا ارتباط ایجاد می کند؛ حتّا روشهایی که توافقها در آنها بوجود می آیند و ناگزیر می شوند. مترجمان شبکه ی خود را چطور بوجود می آورند و حفظ می کنند ؟

مترجمان هم باید مصالحه و "فداکاری" ِ داوطلبانه بکنند یعنی بعضی راه حلهایی را قبول بکنند که کافی اند ولی مطلوب نیستند و شک برانگیزند. مواقعی پیش می آید که صرف وقت برای پیدا کردن راه حل مناسب واقعاً بی نتیجه است: کارهای ضرب العجلی و بقیه ی مشکلات هم راه حلی نیاز دارند. تحقیق جالبی درباره ی اینکه چطور فرآیند ترجمه به نقطه ی "فداکاری ِداوطلبانه" می رسد و اینکه مترجم چطور این نقطه را تشخیص می دهد نزدیک انجام است. این تحقیق مفهوم تلاش در حال ِپردازش را در نظریه ارتباط[[32]](#footnote-32) کامل می کند (ن.ک. به گات 2000): که منظور از تلاش ِدر حال ِپردازش در برابری ارتباط همانست که خواننده انجام می دهد؛ بهرحال در مطالعه ی "فداکاری داوطلبانه" بیشتر بر استراتژی "کمینه،بیشینه" لِوی تأکید می شود که توجهش به تلاش مترجم است.

بهرحال در عمل ترجمه، یک گره ی اصلی داریم که آن خود مترجم است. برای اشاره به هر ترجمه باید مفهوم شبکه،عاملی یک پروژه را به مقیاس کوچک در نظر بگیریم. هر ترجمه محصولی را بوجود می آورد که به طریقی یک اختراع است چون متن جدیدی ایجاد شده؛ هرچند که منظور از اختراع آن مفهوم کلی تر علمی یا فنی اش نیست.

برای اینکه به نتیجه برسیم چند جمله را که طرحی برای جامعه شناسی فرآیند ترجمه ارائه می دهند می آورم. هر کلمه ای که بصورت *ایرانیک* است نشانگر یک مفهوم پیچیده می باشد که هر کدام نیاز به تحلیل دقیق تری از آنچه در این مقاله فرصت داشتم دارند:

* جامعه شناسی ترجمه کردن بر ترجمه کردن بعنوان یک *عمل* اجتماعی توجه می کند.
* این عمل شامل اجرای *کارهای* ترجمه می شود (که مثل حوادث ترجمه ای مشاهده پذیرند).
* این عمل زیاد یا کم *نهادینه* می شود.
* *مترجمان* هم مثل بقیه ی افراد با توجه به فردیت، انگیزه ها و ارزشهای خاص خود این کارها را انجام می دهند.
* مترجمان هم *شبکه* ایجاد می کنند و هم از *شبکه* بهره می برند که با استفاده از آن می توانند با همکاری هم کارها را انجام دهند.
* هر شبکه *عاملان* (یا *منابع*) انسانی و غیرانسانی دارد.
* هر عاملی *تأثیر* یا کارکردی دارد (تقسیم کار...).
* هر تأثیری *جایگاهی* دارد (تصور عامه ی مردم...).
* هر کاری با توجه به *محدودیتهایی* انجام می شود (هنجارها، سیاستهای، دیگر شبکه ها...).
* عمل ترجمه زیر سلطه ی مفهوم *کیفیت* انجام می شود.

5. کاربردها

اگر بتوانیم طرحی از داده های توصیفی درباره ی جامعه شناسی ِعمل ِترجمه با توجه شرایط مختلف و فرهنگهای مختلف بسازیم دو سود می بریم. اول اینکه به ما کمک می کند تا درباره ی علیت ترجمه بیشتر بدانیم یعنی در توصیف اینکه چرا ترجمه ها اینگونه که به نظر می­رسند هستند (برای دیدن یک مثال خوب ن. ک. به برونلی 2003).

دوم اینکه احتمالاً تحقیقات جامعه شناختانه نظر ما درباره ی کیفیت ترجمه را عوض می کند. تمام سوالهایی که در بالا مطرح شده توصیفهایی هستند هرچند تمام آنها مربوط به مسائل هنجاری کیفیت می شوند. در واقع تمام این سوالات به تحقیقات درباره ی بهترین عمل مربوط می شوند. اگر بتوانیم بین انواع نتایج این تحقیقات با محاسبات کیفی ترجمه ها ارتباط ایجاد کنیم، احتمالاً اطلاعات جالبی درباره ی روشهای کارامد (مثل نظامهای بازنویسی) که ظاهراً بهترین ترجمه ها را در چه شرایط سبب می شوند، بدست می آوریم.

ممکن است فردی مقایسه ی شبکه ها (و کاربرد شبکه های) مثلاً حرفه ها با ناشیان یا نوآموزان شروع کند که قبلاً در زمینه ی کابردهای مختلف بعضی منابع غیرانسانی توسط این دو گروه ها انجام شده است (ن.ک.به یاسکلاینان 1999).

به این ترتیب، تحقیقاتی که در زمینه ی جامعه شناسی ترجمه انجام می شود به موسسات هم کمک می کند تا خدمات ترجمه و دوره های آموزش مترجمی برگزار کنند.

1. برگرفته از کتابِ :

   [2006c. Questions in the sociology of translation. João Ferreira Duarte, Alexandra Assis Rosa and Teresa Seruya (eds), *Translation Studies at the Interface of Disciplines.* Amsterdam: Benjamins, 9-27.]

   این مقاله از کتاب " *مطالعات ترجمه در تعامل با رشته­های مختلف*" انتخاب و ترجمه شده است. [↑](#footnote-ref-1)
2. Andrew Chesterman [↑](#footnote-ref-2)
3. Albrecht Neubert [↑](#footnote-ref-3)
4. Grand EST [↑](#footnote-ref-4)
5. Susan Bassnett [↑](#footnote-ref-5)
6. Ander Lefever [↑](#footnote-ref-6)
7. Mona Baker [↑](#footnote-ref-7)
8. Anthony Pym [↑](#footnote-ref-8)
9. Tymoczko [↑](#footnote-ref-9)
10. Across Languages and Cultures 3.1 [↑](#footnote-ref-10)
11. Edwin Gentzler [↑](#footnote-ref-11)
12. Croeber and Clockholm [↑](#footnote-ref-12)
13. Geert Hoftsed [↑](#footnote-ref-13)
14. Onion Model [↑](#footnote-ref-14)
15. Heilbron [↑](#footnote-ref-15)
16. Simoeni [↑](#footnote-ref-16)
17. Douglas Robinson [↑](#footnote-ref-17)
18. Kalinowski [↑](#footnote-ref-18)
19. Translation Event [↑](#footnote-ref-19)
20. Delisle & Woodsworth [↑](#footnote-ref-20)
21. Quebec [↑](#footnote-ref-21)
22. Ferclough [↑](#footnote-ref-22)
23. Hatim & Mason [↑](#footnote-ref-23)
24. Relevance Theory [↑](#footnote-ref-24)
25. Skopos [↑](#footnote-ref-25)
26. Holz Montari [↑](#footnote-ref-26)
27. Wagner [↑](#footnote-ref-27)
28. Lambert [↑](#footnote-ref-28)
29. Translational Procedures [↑](#footnote-ref-29)
30. Actor-Network Theory (ANT) [↑](#footnote-ref-30)
31. Buzelin [↑](#footnote-ref-31)
32. Relevance Theory [↑](#footnote-ref-32)